

دکتر جورج پیتون، ترجمه کتاب مقدس، جلسه ۱۹، ترجمه ایده‌های کلامی، بخش ۱

جورج پیتون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۵ ©

این دکتر جورج پیتون و آموزه‌های او در مورد ترجمه کتاب مقدس است. این جلسه ۱۹، ترجمه ایده‌های کلامی، بخش ۱ است.

چالش بعدی در ترجمه که می‌خواهیم به آن پردازیم، نحوه ترجمه ایده‌های کلامی است. منظور ما از ایده‌های کلامی چیست؟ اینها کلماتی هستند که نوعی مفهوم کلامی به آنها متصل است، یا معنای اساسی معنایی در واقع یک فعل است، حتی اگر ممکن است به روش دیگری بیان شود.

بنابراین، در عهد عتیق، چه عبری و چه یونانی، چه عهد عتیق و چه عهد جدید، از کلماتی استفاده می‌شود که افعال زیربنایی آنها بخشی از ساختار معنایی کلمه را تشکیل می‌دهند. آنها می‌توانند فعل باشند، بنابراین فعل فعل است، اشکالی ندارد، اما اسم دارد که می‌تواند وجه وصفی یا اسم انتزاعی باشد، یا می‌تواند صفت نیز باشد. اما در اصل، نوعی فعل با آن مرتبط است.

خب، اینجا چند مثال آورده شده است. تنبیه یک اسم است، و باید به خاطر داشته باشیم، بیایید مفهوم انگلیسی آن را درک نکنیم، خب، یک چیز است؛ بنابراین، ملموس است. نه، انتزاعی است، و اغلب، اسم‌های انتزاعی در واقع ایده‌های کلامی هستند.

بنابراین، تنبیه، و فعل آن تنبیه کردن است. دانش و فعل آن دانستن است. پیشنهاد کردن از پیشنهاد می‌آید.

رهایی یعنی نجات دادن. به نظر ما، پادشاه آینده، پادشاهی است که می‌آید، بنابراین آمدن، توصیف پادشاه است، و این یک صفت است. و اخیراً، ما رئیس جمهور منتخب را داریم، و در این مورد، رئیس جمهور منتخب ایالات متحده، دونالد ترامپ است.

یعنی او هنوز به قدرت نرسیده، اما رئیس جمهوری که انتخاب شده. خب، اینها نمونه‌هایی از اسم و صفت هستند، اما در پس آنها، یک فعل وجود دارد. و مشکل اینها چیست؟ شکاف‌هایی در ارتباط وجود دارد. آنها چه هستند؟ اول از همه، به ما نمی‌گوید چه کسی عمل را انجام می‌دهد و به ما نمی‌گوید چه کسی عمل را دریافت می‌کند یا سایر بخش‌های مرتبط با آن چیست.

خود عمل ممکن است مبهم باشد، و بسیاری از زبان‌ها اسم‌های انتزاعی یا اسم‌های فعلی مانند این ندارند. و ما چند نمونه از وجه وصفی را در عرض یک دقیقه خواهیم دید. چه کار کنیم؟ بنابراین، در پاپوا گینه نو اسم‌های انتزاعی ندارند، و بنابراین غلاطیان ۵.۲۲ و ۵.۲۳ برای کسی از پاپوا گینه نو این گونه به نظر می‌رسد.

است. چرا؟ چون اسم انتزاعی ندارند. خب، چه کار blah blah blah blah blah blah میوه روح کنیم؟ چگونه معنی را تجزیه کنیم؟ اول از همه، باید فعل را شناسایی کنیم.

خب، حالا چند تا فعل کمکی اینجا هست. رسیدن به اورشلیم. این از مرقس اومده، و فعلش رسیدن

آنها از فهم او شگفت‌زده شدند. فعل اصلی این است که وقتی سلام شما به گوش من می‌رسد، بفهمم

، فعل اصلی، سلام کردن است. بنابراین، افعالی را که به آنها مربوط می‌شوند، شناسایی کرده‌ایم. دوم از همه شرکت‌کنندگان چه کسانی هستند؟ بنابراین، رسیدن به اورشلیم

این درباره عیسی و شاگردانش در طول هفته مصائب مسیح است. گفته می‌شود که وقتی عیسی به اورشلیم رسید، درخت انجیری دید و آن را نفرین کرد. آنها از درک و پاسخ‌های او شگفت‌زده شدند

این زمانی است که عیسی در معبد با کاهنان، فریسیان و لاویان و هر کس دیگری صحبت می‌کرد و آنها از فهم او شگفت‌زده شدند. حال، این یک اسم است زیرا می‌توان آن را تصاحب کرد، یک چیز قابل تصاحب مانند سگش، خانه‌اش، فهمش. و بنابراین، از نظر دستوری، یک چیز است، اما از نظر مفهومی، یک فعل است؛ یک عمل است.

و ما داریم سعی می‌کنیم جزئیات را بررسی کنیم و به اصل ماجرا برسیم. خوب، این برای فهمیدن است. وقتی سلام شما به گوش من رسید، برای سلام کردن

و این مری و الیزابت بودند که دو شرکت‌کننده بودند. چه کسی این عمل را انجام می‌دهد؟ مری در حال انجام آن عمل است. الیزابت سلام و احوالپرسی را می‌شنود

بنابراین، مریم به الیزابت سلام کرد. و بنابراین، ما می‌گوییم که مریم به الیزابت سلام کرد. ما این ایده را در ذهن خود داریم.

سپس ما بیت را بازنویسی می‌کنیم، و تمام این بخش‌های عمل و شرکت‌کنندگان، و حتی چیزهایی که ممکن است جاندار نباشند، هنوز می‌توانند شرکت‌کننده باشند. بنابراین، اگر من بگویم من به تد کتاب را دادم، به یک معنا، کتاب یک شرکت‌کننده است. بنابراین، من، در نقش بازیگر، تد گیرنده است، و او چه چیزی دریافت کرد؟ یک کتاب

، شما نمی‌توانید چیزی ارائه دهید. بنابراین، شما می‌گویید که تد، کتاب و من، همگی نقل قول به نقل از دیگران، در آن عمل سهیم هستیم. برخی از اعمال، مانند راه رفتن، فقط شامل یک نفر می‌شود

بخشی از آن می‌تواند دو نفر باشد. من تد را دیدم، یا کتاب را دیدم. بنابراین، این می‌شود دو نفر، به عبارت دیگر، شرکت‌کننده

. گاهی اوقات، اگر عملی مانند دادن چیزی به شخص دیگری یا انجام کاری انجام دهید، سه بار تکرار می‌شود. خوب، پس چگونه آیه را بازنویسی کنیم؟ وقتی عیسی و شاگردان به اورشلیم رسیدند. دو نکته وجود دارد که می‌خواهم در اینجا به آنها اشاره کنم.

عیسی و شاگردان به اورشلیم رسیدند، و یکی از چیزهایی که می‌خواهیم بگوییم این است که آنها کسانی بودند که این عمل را انجام دادند، هرچند که فعل مضارع در یونانی این را پنهان می‌کند. دوم، فعل مضارع در این عبارت خاص چگونه عمل می‌کند؟ به عنوان یک مرجع زمانی عمل می‌کند، و آن مرجع زمانی به این معنی است که زمینه را برای زمانی که آنها به اورشلیم رسیدند، زمانی که عیسی پیروزی را نفرین کرد، فراهم می‌کند. بنابراین، می‌توانیم بگوییم چه زمانی

اگر این کلمه را حذف کنیم، به این دلیل است که به اندازه کافی معنای یونانی آن را منعکس نمی‌کنیم، چون یک عبارت زمانی است. این یک فرآیند نیست. این توصیف نمی‌کند که آنها از بتانی راه افتاده‌اند و رسیدن آنها دقیقه یا ساعت طول کشیده است x به آنجا

این در مورد آن صحبت نمی‌کند. این صرفاً یک عبارت زمانی است. بنابراین، ما باید هنگام ترجمه مجدد آن را به ترجمه خود اضافه کنیم و این موارد را صریحاً بیان کنیم.

خب، آنها از اینکه او چگونه درک خودش را می‌فهمید، شگفت‌زده شدند. او مفاهیمی را که به او می‌گفتند می‌فهمد، و آنها از چه چیزی شگفت‌زده می‌شوند؟ چگونه می‌تواند همه آن چیزها را بداند؟ چگونه می‌تواند همه آن چیزها را بفهمد؟ و بنابراین، آنها از این موضوع شگفت‌زده شدند. بنابراین، ما باید کلمه "چگونه" را اضافه کنیم، زیرا این یک عبارت زمانی نیست.

این بیشتر یک عبارت حالت است، و او چیزهایی را که با او بحث می‌کردند به خوبی درک می‌کرد. خب، و در مورد مری و الیزابت، الیزابت به مری می‌گوید: «وقتی شنیدم که به من سلام کردی»، این همان حس عبارت زمانی را منتقل می‌کند، کلمه «وقتی که از قبل آنجا بود، وقتی که سلام تو به گوش من رسید»، اما این یک روش صحبت کردن واقعاً مجازی و اصطلاحی است. به یاد داشته باشید، ما قبلاً در مورد اصطلاحات صحبت کردیم.

ما اصطلاحات را تجزیه می‌کنیم و آنها را به روشی ساده بیان می‌کنیم، به خصوص در این موارد، اما چگونه آنها را تجزیه می‌کنیم؟ ما این کار را با شناسایی فعل و مفعول‌ها و سپس بیان مجدد آن به روشی واضح‌تر و و blah blah blah ساده‌تر انجام می‌دهیم. بسیار خب، پس ما این یکی را داریم، میوه روح یعنی و اینها هستند. بسیار خب، ما اینها را با هم تجزیه می‌کنیم.

بسیار خب، میوه روح عشق، شادی، آرامش و غیره است. بسیار خب، این در عبارتی آمده که شامل کلمه از «است، که در مطالعات یونانی یک عبارت ملکی است، و ما باید بفهمیم که این عبارت، میوه روح، به چه معناست. بنابراین، اگر در مورد این فکر کنیم، آیا این توصیفی از روح القدس است؟ احتمالاً نه.

این یک پیدایش عینی است، میوه‌ای که روح القدس در مردم تولید می‌کند، و اگر غلطیان ۵ را بخوانید، این ایده را خواهید داشت که اینها چیزهایی هستند که در قوم خدا مشهود هستند، زیرا روح القدس این چیزها را در زندگی آنها به کار گرفته است. بسیار خوب، شما برای این مردم در پاپوا گینه نو چه می‌کنید؟ خب، اول از همه، باید بگوییم عشق. فعل چیست؟ فعل دوست داشتن است.

خب، چه کسی عشق می‌ورزد؟ یک نفر، مثلاً یک شخص، یک شخص مسیحی معمولی، مرد یا زن، فرقی نمی‌کند، و با کلمه عشق به عنوان یک عمل، نمی‌توانید چیزی را دوست داشته باشید، بنابراین به چیز دیگری، یک شرکت‌کننده دیگر نیاز دارد، و این شخص چه کسی یا چه چیزی را دوست دارد؟ احتمالاً افراد دیگر. خب، و چگونه می‌توانیم این را با میوه روح جمع کنیم؟ ما این را با گفتن اینکه روح القدس این ویژگی‌ها را در افراد ایجاد می‌کند، تجزیه کردیم، بنابراین می‌توانیم بگوییم روح القدس باعث می‌شود فرد دیگران را دوست داشته باشد. خب، شادی، و شادی، بیایید آن را فعل بنامیم زیرا یک عمل وجود دارد، و آن شادمانی کردن است. چه عملی در آن دخیل است؟ ببخشید، افراد درگیر چه کسانی هستند؟ خود شخص، دوباره، شخص مسیحی، و روح القدس فرد را شاد یا خوشحال می‌کند.

صلح، صلح کلمه سختی است چون پیدا کردن یک فعل مرتبط با صلح آسان نیست، اما باز هم، این یک شخص است؛ روح القدس باعث می‌شود که شخص صلح جو باشد یا در صلح باشد، چیزی شبیه به این صبر. حالا، در انگلیسی، می‌شود صبور بودن.

در زبان‌های دیگر، مانند سواحیلی، عربی و برخی زبان‌های دیگر، در واقع یک فعل برای صبور بودن وجود دارد. بنابراین ما فقط می‌گوییم صبور باشید زیرا ما به زبان انگلیسی کار می‌کنیم و هیچ انتخاب کلامی دیگری نداریم، اما درک می‌کنیم و گاهی اوقات با افراد دیگر صبور بودن معنی می‌دهد، بنابراین ممکن است شرکت‌کننده دیگری آنجا باشد. ممکن است از اینکه در ترافیک گیر کرده‌اید و صبور نیستید، کلافه شوید.

آیا این تقصیر دیگران است؟ نه واقعاً. اگر شخصی قرار نیست بیاید و شما منتظر آمدن او هستید، ممکن است احساس بی‌صبری کنید. بنابراین ممکن است شخص دیگری در این امر دخیل باشد، یا ممکن است نباشد، اما روح القدس باعث می‌شود آن شخص صبور باشد.

مهربانی. مهربانی مانند عشق است و چیز دیگری را می‌طلبد. بنابراین روح القدس باعث می‌شود که فرد مهربان باشد، با مردم مهربان باشد.

ملایمت. ملایمت. منظورم را گرفتی، اما بیا ادامه بدهیم.

(دیگران. (این فعل باعث others، (شخص) person) مهربان بودن (است، و be gentle بنابراین، فعل می‌شود که یک شخص مهربان باشد، یا با دیگران به آرامی رفتار کند، یا با دیگران مهربان باشد. وفاداری

فعل اینجا چیست؟ یکی از آنها «وفادار بودن» است. آیا به معنای ایمان داشتن است؟ شاید نه. فکر می‌کنم همه اینها افعالی هستند که ما را درگیر تعامل با دیگران، تعامل با افراد دیگر می‌کنند.

و بنابراین وفادار باشید، قابل اعتماد باشید، قابل اتکا باشید، به تعهداتی که دارید عمل کنید. بنابراین من با تأمین نیازهای خانواده‌ام به آنها وفادار هستم؛ من با محافظت و مراقبت از آنها به خانواده‌ام وفادار هستم. پس به دیگران نیز وفادار باشید.

و دوباره، روح القدس از هر نظر آنجا خواهد بود. و آخرین مورد. بنابراین، کنترل

خود «باعث می‌شود فرد اعمال خود را کنترل کند. شما با اجازه ندادن به آنچه می‌خواهید انجام دهید و» آنچه می‌خواهید بگویید، خودتان را کنترل می‌کنید. بنابراین، هدف از همه این‌ها این است که به ما نشان بدهیم که هر زبانی این‌ها را ندارد، و حتی اگر هم داشته باشد، در سخنرانی بعدی چند مثال خواهم زد، ممکن است ارتباط آن اسم با اعمالی که در متن شرح داده شده است، مشخص نباشد.

و بگذارید این را هم بگویم. شکل وصفی افعال در یونانی رایج‌ترین شکل فعلی است. این یک چیز دیگر است

و خب، از معلم یونانی‌ام پرسیدم که آیا درست است که وجه وصفی رایج‌ترین فعل است. و او گفت، بله. و من گفتم، پس چرا تا واسطه ترم دوم صبر می‌کنید تا آنها را آموزش دهید؟ و او گفت، خب، شما باید اول همه این چیزهای دیگر را بدانید. آیا واقعاً باید همه آن الگوهای افعال و نحوه صرف فعل را در صیغه‌های فعلی که به ندرت در عهد جدید یونانی آمده‌اند، بدانم؟ بنابراین، به عنوان یک معلم آموزشی، من این حرف را پس زدم. و گفتم، اول افعال پرکاربرد را به من یاد بدهید.

باشه، به هر حال، روال همینه. خب، قبل از اینکه به سراغ افعال کمکی برید، باید اطلاعات خیلی زیادی داشته باشید. افعال کمکی خیلی خیلی چالش‌برانگیزن.

در واقع، دارل باک، استاد مدرسه علمیه دالاس، می گوید که وجه وصفی احتمالاً سخت‌ترین ویژگی زبان یونانی در عهد جدید برای فهمیدن و سخت‌ترین چیز برای تفسیر است. و بنابراین می‌توانیم با استناد به تداعی معانی بگوییم، اگر تفسیر آن سخت‌ترین چیز باشد، ترجمه آن نیز سخت‌ترین چیز خواهد بود. بله.

داشتم با یکی از همکاران تانزانایی‌ام که با هم کار می‌کردیم و من کارگاه‌های ترجمه برگزار می‌کردم، صحبت می‌کردم و اطلاعاتی را که اینجا داشتیم، با گرفتن این ایده‌های کلامی و تبدیل آنها به افعال، ارائه دادم. و او به من نگاه کرد و گفت، می‌دانی، آن یک اصل احتمالاً مهم‌ترین چیزی است که تو به ما به عنوان مترجمان تانزانایی یاد داده‌ای. و من گفتم احتمالاً حق با توست.

این خیلی کلیدی است. این یکی از بزرگترین چالش‌های ارتباطی است و من می‌خواهم زمان بیشتری را به آن اختصاص دهم. این کار را در چند جلسه بعدی انجام خواهیم داد. علاوه بر اسم‌ها و وجه وصفی انتزاعی و نحوه تجزیه آنها، به ساخت زایشی نیز خواهیم پرداخت.

چه اتفاقی می‌افتد وقتی دو اسم و دو اسم انتزاعی را کنار هم قرار می‌دهید؟ برای مثال، عیسی تعمید توبه را موعظه کرد. تعمید یک اسم انتزاعی است. توبه یک اسم انتزاعی است.

وقتی آن دو کلمه را به هم متصل می‌کنید چه می‌کنید؟ با برخی از قسمت‌های رومیان و افسسیان که دو، سه یا چهار اسم انتزاعی را به هم متصل می‌کنند چه می‌کنید؟ این کار بسیار بسیار پیچیده و بسیار بسیار چالش‌برانگیز است. ما به آرامی پیش خواهیم رفت. ما این کار را گام به گام انجام خواهیم داد، اما لازم بود این را معرفی کنم تا بدانیم که واقعاً در مورد این اسم‌ها مشکل داریم.

است. اوه، به معنی کلیسا یا به معنی مشارکت است. آیا اینطور است؟ وقتی (koinonia) یکی از آنها کونونیا در رنج‌های او سهیم می‌شویم، چه معنایی دارد؟ ما در رنج‌های او کونونیا هستیم.

خود را با تیتوس می‌فرستند تا آن را به جای (koinonia) این یک فعل است، نه یک چیز. وقتی کونونیا آنها. خب، تجزیه این (koinonia) دیگری ببرد، چه معنایی دارد؟ آنها چه چیزی را فرستادند؟ کونونیا. اسم‌های انتزاعی واقعاً چالش برانگیز است.

اما نکته‌ی دیگری که می‌خواستم بگویم این بود که وقتی به چیزی شبیه به این نگاه می‌کنیم، باید در نهایت آن را، به صورت یک آیه‌ی کامل بازنویسی کنیم. و من این را به دانشجویان کلاس ترجمه نشان دادم و آنها گفتند این یک پاراگراف کامل است. و پاسخ این است که، بله، همینطور است.

اما هیچ راه‌گیزی از آن وجود ندارد زیرا این زبان‌ها گزینه دیگری برای انتقال این حقایق ندارند. همانطور که ما این تحقیق را انجام می‌دهیم، همانطور که سعی می‌کنیم آنها را تجزیه و تحلیل کنیم، همانطور که سعی می‌کنیم روابط بین این کلمات را درک کنیم، درک ما از متن کتاب مقدس به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد به جای اینکه چیزهایی مانند این را به عنوان افکار موجود در نظر بگیریم، اینها چیزهایی هستند که پولس برای ما نوشت زیرا از ما انتظار داشت که آنها را انجام دهیم.

و به آیاتی از اول قرن‌تین ۱۳ نگاهی خواهیم انداخت: عشق صبور است، عشق مهربان است، عشق ملایم است و غیره. آیا این یک چیز انتزاعی است؟ شاید نه. بسیار خوب، دفعه بعد برمی‌گردیم.

متشکرم.

من دکتر جورج پیتون و تدریس او در مورد ترجمه کتاب مقدس هستیم. این جلسه 19، ترجمه ایده‌های کلامی

بخش 1 است.